



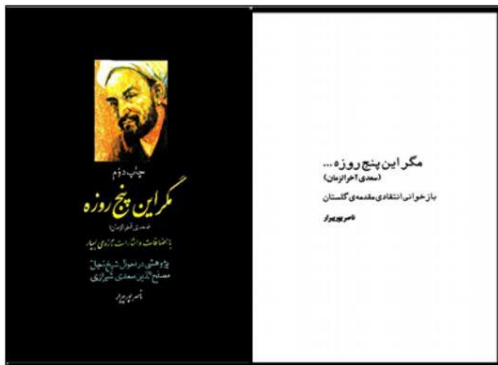
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۹/۱۲

مصطفی «عمرزی»

## سعدی شیرازی، شخصیت دروغین و جعلی



معرفی کتاب مگر این پنج روزه  
(شهرت دو کتاب «گلستان و بوستان»، پذیرش مجعوله سعدی شیرازی را بسیار آسان کرده است. در حوزه فرهنگ و ادبیات و چه در حوزه تعلیم و تحصیل، دو کتاب فوق، شهرتی به هم رسانده اند که هرگاه عادت بینش سابق بر آن ها متغیر شود، در جوامع عقب مانده ای همانند جامعه ما، تکفیر و اتهام روشنگری، دو اصل مهم جاهلی خواهند بود .

چند سال قبل در پی بلاتکلیفی در برابر موج آلودگی های فکری که بیشترین ناشی از ابهامات تاریخی، ادبی و در کل فرهنگی می شدند و در واقع همه در جهت ستیز قومی، مردم را غافل می سازند برای یافت راه حل، همواره در توهم بمانند که گره مشکلات آنان با وسایلی گشوده می شود که در گذشته های خیلی دور، بررسی پژوهش ها نشان می دهد، کورگره های وخیم اند، در مسیر دیگری ره زدم تا واقعیت ها رونما شوند .

خوشبختانه در عصری زندگی می کنیم که با ابعاد گسترده وسایل ارتباط، نهانی وجود نخواهد داشت مکتوم بماند. از حُسن این فرصت، دریافت راه حل از مجرا هایی که وانمود می کردند وجود ندارد، ممکن شده است .

سخن به درازا نرود، در بستر دنیای مجازی انتر نت، شاهد مقالی شدم که هرچند جلوتر از زمانه رفته است تا تنها بماند و تکفیر شود، اما نسخه ای ست که با وضاحت تبیین می کرد رفع اشکالات آلودگی های فکری، پیش از هر قیدی، در منتهی نهفته است که تقدیس کرده ایم. به زودی دریچه ای با نام بزرگ و بزرگواری چون استاد ناصر پورپیرار، ما را در جمع دوستان او کشانید و با واقعیتی مواجه شدیم که با هزاران سند و مدرک، دعوت می کرد با تعمیم آن ها خود را تطهیر کنیم .

در شمار آن فرهنگیان افغان که هرگز بر نشریات یک قرن گذشته مبنی بر تاریخ، ادبیات و فرهنگ با آن همه گاف ها، قناعت حاصل نکرده ام حاصل بخشی این تلاش ها، چه نتیجه ای جز متکا برای ستیز قومی داشته است، استاد ناصر پورپیرار را جسوری یافتم که در هاله فارسیسم عقب مانده، تفهیم می کرد بر نشانه ای بزنی که نشان شان تعصب ساخته اند. تحرک برای این کردار، واقعیت ها و روشنگری هایی را باعث شد که اگر توفیق الهی نصیب شود، پس از تعویض نو با کهنه، رفع معایب بیشتر می شود .

برای پرهیز از طوالت کلام و نیز این که با چاپ کتاب «پور خرد»، خردمندی را معرفی کردیم که بایسته است تا چند دهه بعد، آثار و کارنامه اش آیین نامه های کاری ما در عرصه ی ادب و فرهنگ باشند، در این فرصت در راستای تعمیم آثار او و بیرون رفت از هاله ابهام، با وسعت اسناد و مدارک که نباید دنبال مقال عتیقه ای شد که در هیاهوی مردم سالاری تصنعی (سالیان اخیر (آشکار کرد یک قرن نشریات مبتنی بر سیاست ها و ساخت علایق شدید شوونیستی، چه بلایی بر سر ما آورده اند .

فارسیسم کشور همسایه، پس از تداخل عناصر استعمار، پسری را می زاید که اکنون با نام فارسی، در مرحله هار رسیده است و چیزی نمی ماند از وصله و پینه، تمامی منطقه را با هویتی (فارس) جعل کنند که فقط نتیجه یک عمل نامشروع سیاسی بود .

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکی په خیر و لولی

با ارکان فارسیسم، متشکل از صد ها پایه و ستونی آشناییم که بررسی بی غرضانه ی آن ها نشان می دهد، ناگزیر شده اند با صد ها مهر و نشان نشراتی، گدومی باشند که با میزان آن ها اگر مشکل وزن حل می شود، به درستی تشخیص نمی شود چه قدر ارزش دارند .

ارکان فارسیسم، متشکل از ستون ها و پایه هایی ست که هرچند از ساخت و ساز غیر فارسی بنا می شوند، اما ظاهراً سیاست های یک قرن گذشته با وفور سرمایه گذاری ها، چنان جای واقعیت ها را گرفته اند که تحریف، یک اصل مهم مقوله ی فارسیسم است .

با نگارش این مقاله، کسانی که از قبل با جریان نو فرهنگی در ایران آشنایی دارند، غافلگیر نخواهند شد، اما از قبل واضح است که چه بهمنی بر خواب بُردگان سرازیر می شود .

در واقع با فهم این مطلب که برای رفع آلودگی های فکری، کنار گذاشتن نگرش تقدس گونه بر میراث های فرهنگی- ادبی، نیاز های جدی جامعه ماست، در شمار آن افغانان قلم به دست تشویق می شوم که با درک رسالت نقش خویش، آگاه شده اند تفکیک، اصل مهم در شناخت خوب و بد است .

در این که چیزی با نام سعدی شیرازی، در بهانه های فرهنگی، دهن های بسیاری را به نشخوار می کشاند، از خلوت ها تا اجتماعات، این پدیده ی مجعول جا افتاده است، اما آیا آن چه خاک و خشت این بنا را می سازد، چه قدر اصل اند؟ گزیده هایی از کتاب «مگر این پنج روز»، تالیف زنده یاد استاد ناصر پورپیرار را برگزیده ام تا ضمن آشنایی با گاف هایی که از گذشته وجود داشتند و ما به اشتباه علایم نقطه گذاری خرد پنداشته بودیم، چکیده ای از منظور را در حالی در برابر خواننده ی افغان قرار دهند که در ردیف بی خبران، هنوز باور دارند آن چه از گذشته ردیف می کنند، حرف ندارد .

کتاب «مگر این پنج روزه»، صفحات 154، 204، 229، 237، 240 و 271 :

«دو صد سال پس از وفات شیخ اجل، اطلاعات جامی در باره ی وی چندان پریشان است که نمی تواند ملاک هیچ آگاهی و تحقیقی قرار گیرد. حتی آن چه شیخ جامی در باره ی سومنات می آورد با اشاره ی سعدی در بوستان موافق نیست. سعدی از شکستن بت در سومنات سخن نگفته، بل کشتن خادم آن را به گردن گرفته، الباقی نیز قصه سرایی هایی بر سبیل اختراق خرق عاداتی است که جامی غالباً برای آدمیان فهرست خویش به ثبت رسانده است. ص 154»

«انصاف بدهید که مروت نیست خواننده در یک مقاله ی واحد و به قلم یک نگارنده ی واحد و در باره ی یک امر واحد و به فاصله ی فقط چند برگ، دو اظهار نظر به کلی مغایر و متفاوت و متضاد با یکدیگر بخواند که یکی می گوید صیت سخن سعدی همان در نگارش گلستان به جهان می رفته و چند صفحه ی بعد بخوانیم «مقارن تالیف این کتاب (گلستان و بوستان) هنوز سعدی چندان اسم و رسمی پیدا نکرده و شهرت اش عالم گیر نشده بوده است .

باری، هیچ قول درست متکی بر سندی در این باب نداریم که شیخ ما پیش از تالیف گلستان و بوستان، تدوین و تحریری به دست داشته است یا خیر؟ و کسی کوشش کارآمدی نکرده است تا آشکار کند تاریخ ادب سرزمین ما نخستین بار از چه زمان نام و کاری از شیخ اجل را به یاد می آورد. ص 204»

«عشق در این حکایات در سطح می جنبد، به شکل درمی آید، حریص و حسابگر حتی نامرد است. چه گونه است که سعدی آن جهان مطلوب خویش را در بوستان وامی گذارد و بدین گلستانی می جهد که شبیه یک پارک عمومی است، خلوتگاهی ندارد و این هنوز چشم انداز سمت عشق آن است که باید رویا انگیز تر باشد از کوشک های دیگر. فواید خاموشی، فضیلت قناعت، تاثیر تربیت، ضعف پیری و ... که نیست. ص 229»

«چنین است که گلستان جُنگ درهمی است از آدم هایی که غالباً سایه اند، نام ندارند، و احوال شان غریب و غیر معمول است. حتی فصل بندی در گلستان نامرتب، خام، تازه کارانه، مغشوش و معیوب است .

اما در بوستان، سیستم فکری هست و اغتشاش در آن به ندرت دیده می شود. اگر سعدی ابتدا بوستان را نوشته، پس به چه علت اسلوب و توازن اندیشه اش را کنار می گذارد و به جنگی روی می آورد که بسیار مورد انتقاد قرار گرفته است؟ ص 237»

«گفتیم و اشاره کردیم و با ذکر نمونه هایی از دو متن نشان دادیم که اگر سعدی گلستان را پس از بوستان تالیف کرده باشد، به معنای این است که سعدی، هم از دیدگاه انسانی و هم در اسلوب نگارش دچار افت و شخصیت و بینش شده، به آسانی پذیرفتنی نیست، زیرا کار های بعدی سعدی، قصیده ها و غزل ها و قطعات، که گفتیم تمامی آن ها مسلماً پس از این دو کتاب سروده شده، از این دو اثر استوار تر و غنی تر است. سعدی از مولفانی است که در تجربه ی نگارش مسلط تر، تردست تر و خیره تر می شوند. پس مشکل است قبول کنیم شیخ بتواند پس از خلق کتابی چون بوستان، دست به نگارش گلستان بزند که در آن پیام ویژه ای، به نسبت آن چه در بوستان می بینیم، نیست. آیا سعدی پس از بوستان تخلیه ی اندیشه شده است؟ به هیچ وجه! غزلیات و قصاید سعدی از تعبیراتی سود برده است که توجه

به آن خاص ذهن پویا و توانمندی است که به بالا صعود می کند. پس چه گونه بپذیریم که سعدی بلند مرتبه، جهان مطلوب و رویایی خویش را در بوستان بگذارد و به گلستان بزند؟ ص 240»

«بدین ترتیب اینک کوشش برای یافتن نسخه ی اصیل و قدیمی از «شداالزار» و «یا» مزارات شیراز «به یکی از وظایف مهم مراکز فرهنگی دولتی ملی تبدیل می شود. یافتن چنین نسخه ای، که به گمان صاحب این قلم، به احتمال قریب به یقین، در آن ذکری از خاکدان شیخ اجل یافت نخواهد شد بر متعصبین تفهیم خواهد کرد که اگر جنید بزرگ حتی یک قرن پس از درگذشت سعدی از ذکر مقبره ی او طفره رفته، پس جست و جوی علت چنین پرهیز گسترده ای از شیخ که حتی قرنی پس از وفات، شامل مزار و خانقاه وی نیز شده است، مسلماً راه به جایی می برد که کشف آن شاید که کشف کلید رموز تاریخ ادبیات قرون هفتم و هشتم ایران باشد. ص 271».

مهمترین ویژه گی کتاب «مگر این پنج روزه»، تحلیل پدیده ی قلبی سعدی بر اساس بلندترین روایاتی است که فرهنگیان متخصص ایران با تداخل ماخذ خود بافته، سعدی ساخته اند و برای نگهداری گنبد فارسی، پایه زده اند . با مطالعه ی کتاب «مگر این پنج روزه»، قرائت سلیقه یی منتقدی تبارز نمی کند که با درک ماهیت مشکلات در پی چاره جویی ست، بل با ردیفی از آن چه کارخانه ی سعدی سازی تولید کرده، آشکار می کند نه فقط مجموعه ی منتسب به سعدی که گاه با هزلیات، خبیثات و مضحکات، فراری پشت کرده بر اخلاق را معرفی می کند و گاه با گلستان و بوستان، نوسان قلم و اندیشه در متناقض نمایی معرفی می شود که در زمان بی عینک تعصب، تعجب دست می دهد چرا تنوع کار قلم، کژدار و مریز است .

در واقع کتاب «مگر این پنج روزه»، با ارایه ی مجموعه ای از تضاد ها و تناقضاتی که تا نشر این کتاب، دقت نکرده بودیم هیچ کجای ناکجا آباد سعدی، راستی و آبادی ندارد تا نشانی او را به عنوان مخلوق آثار منتسب به او بشناسیم، در حالی که یقین حاصل می شود مجموعه ی ادبی منتسب به سعدی صاحب اثر ندارد و به تعبیر من شاید نگاشته های گمنامانی نیز باشند که غیابت تاریخی یافته اند، می توان با وفرت تناقض در حیات، تحصیل، سفر، سن، مرگ و قبرستان، این ظن را تقویت کرد که با نوع نگرش شوونیستی حاصل قرن بیست، نمی توان جغرافیا هایی سیاسی کنونی را در جغرافیای مدفون و متنوع عمق تاریخی، توسعه و رسمیت داد؛ زیرا نوع هویت های سیاسی کنونی بر اساس نام ها و تشکل های جدید، با طرز تفکر و مرامی شکل گرفته اند که اندوخته ی مرز های سیاسی کنونی را حرف آخر مایملک فرهنگی خویش می دانند. بنابراین وقتی در عصر به اصطلاح سعدی، تثبیت مرزی وجود نداشته است و رسمیت مرزی تضمین نمی شود، سعدی سازی در چوکات پدیده ی فارسیسم، آلودگی فکری در جهت تقابل تعصب بر اساس ستیز قومی است .

کتاب «مگر این پنج روزه» با بررسی تمامی آثاری که سعدی زایی کرده اند، متوجه می کند گاف آن آثار، در میانه قید و قیودات انتساب، نشانی های زیر سایه اند که فقط دید علمی و انتقادی مبرا از تعصب کمک خواهد کرد بر اصل ماجرا هایی وقوف یابیم که اگر داستان راستان بوده اند، در کوچه ی دلخواسته، چپ زده اند .

کتاب «مگر این پنج روزه»، شاهکاری در شمار آثار روشنگر نو است که در حوزه ی رواج زبان دری (افغانستان، تاجکستان، ایران) بزرگی می کند و بهره می دهد در جهت کاهش تمایلات توهم افتخارات کذایی زاده تعصب قومی، تطهیر فکری به نفع روشنفکری واقعی، قبول عام یابد. بازچاپ و ترجمه ی پشتوی این کتاب را برای ناشران افغان توصیه می کنم و امیدوارم در این مسیر، به زودی خبر های ناگفته ی دیگری را نیز شریک سازم . مشخصات کتابی که معرفی کردیم :

«مگر این پنج روزه»، تالیف ناصر پورپیرار، 287 صفحه، اندازه ی A5، چاپ دوم- سال 1377، نشر کارنگ، قیدکتابخانه ی ملی ایران 77- 14293 م:

یادآوری :

از طریق لینک زیر، کتاب «مگر این پنج روزه» را رایگان دانلود کنید !

[http://www.afghanpedia.com/projects/libraries/pdfs/get\\_pdf.jsp?book\\_id=115bjbiwz.pdf](http://www.afghanpedia.com/projects/libraries/pdfs/get_pdf.jsp?book_id=115bjbiwz.pdf)